

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران

فرزانه یعقوبی راد^۱

دکتر اسمعیل کاوسی^۲

دکتر علی رشیدپور^۳

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه در منطقه ۵ شهر تهران اجرا شده است. روش تحقیق در مطالعه حاضر، توصیفی-پیمایشی است و جامعه آماری شامل همه دانش آموزان پسر دوره متوسطه اول و دوم منطقه ۵ تهران بود. نمونه ها به روش خوشه ای چند مرحله ای استخراج شدند و گردآوری داده ها با تکمیل پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفت. روایی پرسشنامه را متخصصان تایید کردند و پایایی ابزار نیز با روش آلفای کرونباخ سنجیده شد که دارای پایایی مناسب (۰/۸۱۹) بود. برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، میانه، مد و ...) و استنباطی (کلموگروف اسمیرنوف، آزمون تی تک نمونه ای، آزمون فریدمن) بهره گیری شد. نتایج حاصله از بررسی فرضیه های پژوهش به طور خلاصه عبارت اند از اینکه چهار عامل فضای آموزشی، خانواده، معلم و ارزشهای اجتماعی بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان اثر گذارند. در این میان، با توجه به نتایج حاصله از آزمون فریدمن، ارزشهای اجتماعی دارای رتبه اول و مؤلفه های معلم، خانواده و فضای آموزشی به ترتیب دارای اولویتهای بعدی در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه در منطقه ۵ شهر تهران تشخیص داده شدند.

کلید واژگان: مطالعه، کتابخوانی، فرهنگ کتابخوانی، دانش آموزان

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۸

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) و عضو دانشگاه فرهنگیان

farzanehrad@yahoo.com

۲. مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (مسئول مکاتبات)

ekavousy@yahoo.com

rashidpoorali@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

مقدمه و شرح مسئله

کتاب، یکی از ابزارهای تفکر، رشد و تعالی انسانی است. از دیرزمان اهمیت مطالعه و کتابخوانی نزد اهل علم و ادب شناخته شده است و درباره آن سخنها رفته است. کتاب، حتی در روزگار پیشرفتهای چشمگیر بشر در عرصه‌های دانش، تمدن و فرهنگ، نه تنها اهمیت خود را از دست نداده، بلکه جنبه‌های گسترده‌تر، تازه‌تر و جلوه‌های پایدارتر یافته است. بی‌گمان، کسانی که در وادی پیشرفتهای گوناگون، گامهای بلند برداشته‌اند، هرگز با کتاب و کتابخوانی بیگانه نبوده‌اند، بلکه مطالعه را عنصری اصلی و ضروری دانسته‌اند (زارعی، ۱۳۹۲). چراکه کتاب از عناصر مهم فرهنگی و ابزاری مناسب برای تغییر دادن فرهنگ است و عناصر جدید فرهنگی را به افراد جامعه منتقل می‌کند و ضمن حفاظت از فرهنگ متعالی، آن را بدون تغییر و تحریفی در اختیار آیندگان قرار می‌دهد. روشن است که فرهنگ مطالعه و کتابخوانی نه تنها یکی از مؤلفه‌ها و ارکان اصلی فرهنگ به شمار می‌آید، بلکه خود نیز سبب تکامل و توسعه فرهنگی می‌شود.

کتابخوانی، راهی برای دستیابی به دانایی و توانایی است که به آدمی در فهم و درک درست، یاری می‌رساند و کلید گذر از محدودیتها و جهالتها و ورود به دنیای گسترده و ژرف است. از همین‌رو، مطالعه پنجره‌ای به سوی اندیشه‌ها، تجربه‌ها، آموخته‌ها و اندوخته‌هاست. مطالعه و خواندن همیشگی و مادام‌العمر اساس فرهنگ کتابخوانی است. در حقیقت، فرهنگ کتابخوانی، حرکتی فراتر از یک مهارت عادی است و متضمن فرهنگی است که حاوی سواد گسترده است و خواندن از فعالیتهای روزانه و مداوم زندگی به شمار می‌آید (استرانگر- یوهانسن^۱، ۲۰۱۴). به زعم وایتهارست^۲، افرادی که درست می‌خوانند و بیشتر مطالعه می‌کنند، فرصتهای بیشتری برای کسب دانش در زمینه‌های گوناگون خواهند داشت (شاو و دیویدسون^۳، ۲۰۰۹). به این ترتیب، فرهنگ مطلوب خواندن، نه تنها به منزله مقوله‌ای در راستای دستیابی به اهداف مدرسه توسعه یافته است، بلکه امری است که در همه جنبه‌های زندگی انسان به کار گرفته می‌شود (دویران و آسلین^۴، ۲۰۱۰). فرهنگ مطالعه و خواندن زمینه بهبود استانداردهای آموزشی را فراهم می‌آورد (کچالا^۵، ۲۰۰۷)؛ زیرا فرهنگ کتابخوانی، بر نگرشها، باورها و رفتارهایی دلالت دارد که شرایط خواندن را در میان یادگیرندگان، معلمان، مدرسه و جامعه فراهم می‌سازد و به طور کلی با همه فعالیتهای خواندن

-
1. Stranger- Johannessen
 2. Whitehurst
 3. Shaw & Davidson
 4. Doiron & Asselin
 5. Kachala

مرتبط است و فراگیران را قادر می‌سازد بر اساس یک اصول منطقی به خواندن بپردازند. چنین فرهنگی تعمیق می‌یابد و پایدار می‌ماند (مک‌ایوان^۱، ۲۰۰۲، به نقل از ژوبرت و همکاران^۲، ۲۰۱۴). با ترویج و گسترش کتاب و کتابخوانی می‌توان علاوه بر دستیابی به دستاوردهای نوین بشری در زمینه دانش و فرهنگ و پیشینه اندیشه‌ها، عقاید و تجلیات فکری و خلاق بزرگان فکر و اندیشه، به سفارشات و توصیه‌های دینی و اسلامی که در آنها کتاب و کتابخوانی جایگاه بس ارجمند و متعالی دارد، عمل نمود. در واقع آراسته شدن به فضایل اخلاقی، مقابله با خرافات و انحرافات فکری و جلوگیری از خودباختگی در برابر بیگانگان در سطح جامعه در گرو افزایش دانش و آگاهی یکایک افراد جامعه است و این مهم نیز با درک ارزش و جایگاه کتاب و اهتمام به مطالعه آن مرتبط است؛ بنابراین، مطالعه و کتابخوانی، ابزار اصلی افزایش سطح آگاهی و دانش همگان است (فاضلی، ۱۳۹۰). در سایه کتابخوانی پیشبرد اهداف فرهنگی و اجتماعی جامعه میسرتر می‌شود. مطالعه کتابهای مفید و ارزشمند به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا با تأمل در مطالب و محتوای کتابها، حقیقت زندگی خود را بیابند، ظرفیتها و مهارتهای شناختی وجودشان را ارتقا بخشند و در همان حال، از لذتی واقعی و کمیاب بهره گیرند.

یکی از شاخصهای توسعه یافتگی در کشورهای جهان، بالا بودن میزان مطالعه و کتابخوانی است. چنان‌که در جوامع توسعه یافته، کتابخوانی سرانه بالایی را به خود اختصاص می‌دهد و در جوامع توسعه نیافته به سبب بالا بودن نرخ بیسودای از یک‌سو و مطالعه نکردن باسوادان از سوی دیگر، سرانه کتابخوانی در این کشورها، رقم پایینی دارد. در ایران که از کشورهای در حال توسعه است، با وجود افزایش شمار باسوادان، همچنان آمار مطالعه پایین است که پیامدهای بسیار به شکل غیرمستقیم در پی داشته است و با وجود تحولات اجتماعی و فرهنگی در دو دهه اخیر، هنوز مطالعه و کتابخوانی موقعیت مناسب خود را نیافته است (رحمانی، ۱۳۸۲).

نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که فقط ۳۰ درصد از دانش‌آموزان و دانشجویان کشور ما مطالعه می‌کنند که در مقایسه با وضعیت مطالعه در کشورهای پیشرفته نگران‌کننده است. مقایسه این نتایج با نتایج پژوهشهای انجام شده در زمینه فرهنگ کتابخوانی در میان سایر کشورها، مؤید آمار تأسف‌انگیزی است. پژوهشی که در سال ۲۰۰۵ به منظور بررسی فرهنگ کتابخوانی در میان روسها انجام شد، نشان می‌دهد که ۶۶ درصد مردم روسیه، کتابخوان هستند که ۲۶ درصد از این افراد، به طور مرتب کتاب می‌خوانند. همچنین شمار کتابهای موجود در کتابخانه‌های خانگی، به‌طور

1. McEwan
2. Joubert et al.

متوسط ۳۰۰ عنوان گزارش شده است (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۷). همچنین در پژوهشی که کلارک و همکاران در سال ۲۰۰۸ انجام دادند، بیشتر جوانان انگلیسی (۵۸ درصد) از مطالعه زیاد لذت می‌برند و خودشان را در گروه کتابخوانان حرفه‌ای قرار می‌دهند. همچنین بیشتر جوانان (۷۱ درصد) خودشان را اهل مطالعه می‌دانند (کلارک و همکاران، ۱۳۸۸). همین‌طور بر اساس پژوهشی که کتابخوانی را در میان کودکان و نوجوانان ایالات متحده آمریکا بررسی کرده است، ۷۸ درصد آنها معتقدند اگر کتابخوانی حرفه‌ای نباشند، در آینده با شرایط دشواری روبه‌رو خواهند شد و ۸۷ درصد آنان بر این باورند که باید کتابخوانی حرفه‌ای باشند تا در آینده بتوانند حرفه‌ای مناسب پیدا کنند (آزبرن و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهشهای اخیر آماری امیدوارکننده درباره مطالعه و کتابخوانی ندارند. بر اساس نظرسنجی که در تهران میزان مطالعه و مسائل مربوط به آن را در سال ۱۳۹۰ بررسی کرده است، ۳۶ درصد افراد اهل مطالعه نیستند و فقط پنج درصد تهرانیها به طور حرفه‌ای مطالعه می‌کنند. در این پژوهش، برای افرادی که اصلاً مطالعه نمی‌کنند یا کم مطالعه می‌کنند، اصلی‌ترین دلیل، کمبود وقت و وجود مشکلات عنوان شده است (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۱). پژوهشی جدیدتر و گسترده‌تر که با عنوان «آسیب‌شناسی فرهنگ مطالعه در بین جوانان ایرانی» در میان ۱۵۳۰۷ نفر از افراد ۱۸ تا ۳۵ سال در تهران و ۳۱ شهر کشور انجام شده است، نشان می‌دهد که تنها ۲۲/۴ درصد ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را با مطالعه کتاب پر کنند؛ در حالی که ۵۲ درصد از آنها در اوقات فراغت تلویزیون تماشا می‌کنند. این آمار نشان می‌دهد، مردم ایران افزون بر آنکه به مطالعه به مثابه نوعی سرگرمی می‌نگرند، مطالعه در میان سرگرمیها نیز جایگاهی مناسب ندارد. همچنین این پژوهش، متوسط مطالعه غیردرسی پاسخ‌گویان را فقط ۴۳ دقیقه در شبانه‌روز برآورد کرده است (مرکز تحقیقات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

بی‌گمان، گذشتن از دبستان، دبیرستان و دانشگاه، برای دست‌یافتن به مدارک تحصیلی بالاتر، مزایای مادی بیشماری دارد، ولی دستیابی به این نتیجه، مستلزم آن است که در این مدت، فرد مهارت و آگاهیهای لازم را به دست آورد؛ در حالی که متأسفانه ساختار ما در جهت مدرک‌گرایی عمل می‌کند. از این‌رو، معلومات فرد در حد جزوه‌های کلاسی است. در این صورت، چگونه می‌توان انتظار داشت که پرورش‌یافتگان چنین فرهنگی، به مزایای دیگر و عالی‌تر سواد بیندیشند و با استفاده از این ابزار مناسب، درصدد گسترش دید اجتماعی و افزایش سطح معلومات خویش برآیند؟ از این‌رو، بیشتر مردم جامعه نه تنها به مطالعه کتاب علاقه‌ای نشان نمی‌دهند، بلکه تحت

تأثیر این گمان نادرست که مطالعه کتابهای غیردرسی به پیشرفت فرزندان در زمینه تحصیلی آسیب می‌رساند، مانع آن می‌شوند که فرزندان به مطالعه این گونه کتابها رو آورند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۰). نظام وارداتی آموزش و پرورش نیز، در بیشتر کشورهای توسعه‌نیافته مانند وصله ای ناجور است و معمولاً بر اساس کتاب یا جزوه درسی شکل می‌گیرد و آموزگاران و دانش‌آموزان، خود را از هر گونه مراجعه به دیگر منابع اطلاعاتی بی‌نیاز می‌دانند. به ویژه در مراحل آغازین تحصیل به کتابهای غیردرسی هیچ ارجاعی صورت نمی‌گیرد. در مراحل بعدی حتی در سطوح عالی، مراجعه به کتابهای غیردرسی و منابع اطلاعاتی، حالتی صوری دارد و بیشتر برای رفع تکلیف است تا انجام دادن وظیفه. پژوهشها نشان می‌دهند افرادی که در مراحل نخستین تحصیل به کتابخوانی رو آورده‌اند، در مراحل دیگر تحصیل، به کتاب و کتابخانه بیشتر مراجعه داشته‌اند (خسروی، ۱۳۸۱). رداد و مسعودی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان بررسی وضعیت عادات مطالعه آزاد دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن نشان دادند: ۱) مطالعه آزاد در میان فعالیتهای مورد علاقه دانش‌آموزان در اوقات فراغت جایگاه نازلی داشته است. ۲) دانش‌آموزان بیشتر علاقه‌مند به مطالعه کتابهای داستانی و تخیلی هستند. ۳) در میان عوامل بازدارنده مطالعه «گوش دادن به موسیقی»، «حجم زیاد تکالیف درسی» و «تماشای تلویزیون» مهمتر از سایر عوامل هستند. ۴) از نظر دانش‌آموزان اصلی‌ترین مجاری دسترسی آنها به منابع مورد نیاز جهت مطالعه «کتابفروشیها» و «دوستان» و کم‌اهمیت‌ترین «کتابخانه مدرسه» بیان شده است. ۵) دانش‌آموزان تأثیر اینترنت را بر دسترسی به منابع اطلاعاتی و مطالعاتی مورد نیاز خود زیاد می‌دانند. ۶) بین عادات مطالعه دختران و پسران در برخی مؤلفه‌ها مانند «میزان لذت بردن از مطالعه»، «میزان خرید کتب غیردرسی» و «میزان مطالعه» تفاوتی معنادار وجود دارد و ۷) میان عادات مطالعه دانش‌آموزان بر حسب میزان تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در برخی از مؤلفه‌ها تفاوتی معنادار مشاهده شد. میرحسینی و بهرامی (۱۳۹۱) در تحقیقی به «بررسی میزان تأثیر کتابخانه تلفنی رنگین کمان شهرداری سمنان بر افزایش فرهنگ مطالعه کودکان و نوجوانان» پرداختند. طبق نتایج، کتابخانه تلفنی در افزایش میزان مطالعه اعضا تأثیر داشته است و فرضیه تحقیق مبنی بر نقش مثبت کتابخانه تلفنی در افزایش نرخ مطالعه کودکان و نوجوانان مورد تأیید قرار گرفته است و تفاوتی معنادار میان پاسخها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دیده می‌شود. قیطاسی-زاده (۱۳۹۱) به تحقیقی تحت عنوان «بررسی موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ کتابخوانی در بین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی منطقه ۳ شهر تهران» پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داد که میان

موانع (فردی، خانوادگی و اجتماعی) و کتابخوانی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد و راهکارهای ارائه شده از طرف معلمان در سه سطح اولویت‌بندی شده است. باب الحوائجی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان علل عدم گرایش به مطالعه در میان کودکان و نوجوانان و ارائه راههایی برای ارتقای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی به بررسی دلایل نبود رغبت به مطالعه در میان کودکان و نوجوانان کشورمان پرداخته است. به اعتقاد او شرایط نامناسب خانواده، نظام آموزشی (کتابخانه‌های آموزشی، معلم و کتابهای درسی)، بازار نشر و کتابخانه‌های عمومی، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند کودکان و نوجوانان را از مطالعه و کتابخوانی دور کنند. بزرگی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان راههای ارتقای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در میان دانش‌آموزان، دانشجویان و قشرهای گوناگون مردم، آگاه کردن مردم از اهمیت مطالعه از طریق رسانه‌های گروهی، رونق دادن به ساختار اقتصادی، تغییر دادن شیوه آموزشی، فراهم کردن امکانات و تسهیلات لازم برای اطلاع رسانی، افزایش مکانهای عرضه کتاب، افزایش ظرفیت کتابخانه‌ها، بهبود کیفیت مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی، کاهش حق عضویت کتابخانه‌ها، انجام تبلیغات وسیع و دامنه دار در رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌های گروهی درباره فواید کتاب و کتابخوانی، در نظر گرفتن تمهیدات برای ارج نهادن به منزلت مؤلفان، مترجمان و دست اندرکاران صنعت نشر کتاب به منظور افزایش کیفیت متون کتابها و نشریات، ایجاد اصلاحات و تغییرات کلی در ساختارهای سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و رفع معضلات مدیریتی را از عوامل و راهکارهای گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در کشورمان دانست. تقی‌پناهی (۱۳۸۶) در تحقیق خود به بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه در دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که «رقابت»، «اهمیت»، «لذت» و «نمره» از انگیزه‌هایی بودند که در دانش‌آموزان مورد بررسی نسبت به بقیه در سطح بالاتری قرار داشتند و انگیزه‌های اجتناب از مطالعه، مطالعه به دلایل اجتماعی، مطالعه به قصد چالش برانگیزی و تکلیف، نسبت به بقیه انگیزه‌ها نمره‌های کمتری را به خود اختصاص دادند. میان انگیزه‌های اهمیت، شناخت، نمره و رقابت، از لحاظ میزان برخورداری، تفاوتی معنادار وجود دارد. کامپ^۱ (۲۰۰۷) در بررسی خود درباره عادت به مطالعه کردن ۲۴۲ دانش‌آموزان پایه اول تا یازدهم دریافت که آنها بیشترین تأثیر را در گرایش به مطالعه از خانواده و معلمان دریافت کرده بودند و اکثراً حسی خوشایند و مثبت نسبت به مطالعه داشتند. این امر تأییدی بر این واقعیت است که عادت به مطالعه کردن در افراد از سنین پایین شکل می‌گیرد و نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری این عادات بسیار حائز اهمیت است (کامپ،

۲۰۰۷). لیلا ترکانلوغلو (۲۰۰۱) ماهیت انگیزه‌های خواندن دانش‌آموزان ترکیه و رابطه میان انگیزه‌های خواندن و میزان خواندن آنها را مطالعه کرده است. بررسی وی نشان داد انگیزه‌های درونی مانند کنجکاوی و به چالش کشیدن، بیش از انگیزه‌های بیرونی مانند نمره و رقابت در این دانش‌آموزان وجود دارد. در حالی که انگیزه به دلایل اجتماعی و به قصد اجتناب، در سطح پایینی قرار دارد. از نظر پایه تحصیلی، میان انگیزه‌های خواندن پایه‌های هفتم و نهم، تفاوتی معنادار دیده شد؛ تفاوتی معنادار از نظر جنسیت میان میزان خواندن با دلایل شخصی و خواندن برای مدرسه دیده شد؛ یعنی دختران، بیش از پسران به منظور علاقه‌مندی می‌خوانند تا برای مدرسه. مطالعه پرلز^۱ ۲۰۰۱ مهم‌ترین متغیرهای پیشنهادی در عملکرد سواد خواندن دانش‌آموزان ایران را بررسی کرد. نتایج این تحقیق نشان داد با بالا رفتن تحصیلات پدر، میانگین عملکرد سواد خواندن دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. همچنین نشان داد میان نگرش نسبت به خواندن کتاب و عملکرد سواد خواندن، رابطه معنادار وجود دارد. ادامه این مطالعه نشان داد که میان وضعیت اقتصادی دانش‌آموزان و عملکرد خواندن آنان رابطه معنادار وجود دارد. طبق این پژوهش در مورد انگیزه خواندن به قصد کسب و کاربرد اطلاعات، دختران میانگین عملکرد بیشتری از پسران داشتند (کریمی، ۱۳۸۳). ویگفیلد و گاتری^۲ (۱۹۹۵) در پروژه‌ای دو ساله در مرکز ملی پژوهشی خواندن، با هدف ارزیابی انگیزه‌های متفاوت خواندن کودکان و تفاوت‌های پایه تحصیلی، زمان مطالعه نشان داد که دانش‌آموزان سال پنجم، به ویژه در نیمسال پاییز، انگیزه مثبت کمتری نسبت به کلاس چهارمی‌ها برای خواندن داشتند. دختران نسبت به پسران، به طور کلی، انگیزه‌های بیشتری برای خواندن دارند. علاوه بر این، دختران نسبت به پسران در برنامه خواندن مدرسه بیشتر فعال اند؛ هر چند این تفاوت چندان زیاد نبود. تحلیل همبستگی نشان داد تعداد جنبه‌های انگیزه‌های خواندن دانش‌آموزان با میزان خواندن آنها در برنامه خواندن مدرسه رابطه دارد. بیشترین انگیزه‌های مربوط به میزان خواندن، شامل دلایل اجتماعی، اثر بخشی، کنجکاوی، لذت، شناخت و نمره بود.

با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده، فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در میان دانش‌آموزان از جایگاهی نازل برخوردار است. از این رو معضلی اساسی و آسیبی جدی در پیشروی نظام آموزش و پرورش کشور است و ادامه این وضعیت، مانعی جدی در تحقق بخشیدن به اهداف و برنامه‌ریزیهای استراتژیک پایدار فرهنگی در جامعه به شمار می‌رود. برای برون‌رفت از این وضعیت و به منظور نیل به توسعه فرهنگی جامعه، تقویت عوامل مؤثر بر فرهنگ کتابخوانی در میان دانش-

1. PIRLS

2. Wigfeild-Guthrie

آموزان بسیار حائز اهمیت است و بدون توجه به این موضوع، نمی‌توان بر این مانع جدی، فائق آمد. با توجه به این مهم، در مقاله حاضر نگارندگان کوشیده اند تا عوامل اساسی ارتقای فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند.

فرضیه اصلی

فضای آموزشی، خانواده‌ها، معلم و ارزشهای اجتماعی در گذران اوقات فراغت در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران مؤثر است.

فرضیه‌های فرعی

۱. فضای آموزشی عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر است.

۲. خانواده عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

۳. معلم عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

۴. ارزشهای اجتماعی عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

۵. اثر شاخص " فضای آموزشی "، " خانواده "، " معلم " و " ارزشهای اجتماعی " بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران متفاوت است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی بوده است. در این تحقیق از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در طراحی سؤالات پرسشنامه دقت لازم به عمل آمده تا سؤالات از سادگی و وضوح کافی برخوردار باشند. سؤالات تحقیق به دو دسته سؤالات عمومی (جمعیت شناختی) و سؤالات اصلی (۲۰ سؤال تخصصی) تقسیم شده اند. در این پژوهش، به منظور طراحی پرسشنامه و روایی آن بخشی از سؤالات پرسشنامه بر مبنای نظرات اساتید و متخصصان امر طراحی شدند. بر این اساس برای متغیرهای مورد بررسی ۲۰ سؤال با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، بی نظر، مخالف، کاملاً مخالف) در نظر گرفته شد. به منظور سنجش پایایی در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به همین منظور ابتدای

کار، پرسشنامه‌ها میان ۳۰ نفر از نمونه آماری توزیع شدند و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده از رابطه فوق نشان دهنده آن است که پرسشنامه، از پایایی لازم برخوردار است و پرسشنامه نهایی بعد از این مرحله توزیع شد ($\alpha = 0/819$). جدول ۱ مقدار آلفای کرونباخ هر متغیر را نشان می‌دهد. در ستون آخر این جدول ضرایب آلفای کرونباخ برای همه متغیرها نشان داده می‌شود که همه این ضرایب از مقدار ۰/۷ بالاترند و نشان از پایایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری دارند.

جدول شماره ۱. ضرایب آلفای کرونباخ

متغیر	آلفای کرونباخ
فضای آموزشی	۰/۷۶۴
خانواده	۰/۸۶۰
معلم	۰/۸۷۳
ارزشهای اجتماعی	۰/۷۲۷
کل پرسشنامه	۰/۸۱۹

جامعه آماری این پژوهش همه دانش آموزان پسر دوره متوسطه اول و دوم منطقه ۵ بوده و روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی بوده است. تعداد کل دانش آموزان پسر منطقه ۵ در دوره متوسطه اول و دوم در حدود ۲۰۰۰ نفر بودند. حجم نمونه در این تحقیق از جدول کرجسی و مورگان استخراج شده که بر اساس اطلاعات موجود در این جدول حجم نمونه پژوهش برابر با ۳۷۹ نفر برآورد شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، میانه، مد و ...) و استنباطی (کلموگروف اسمیرنوف، آزمون تی تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن) استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، برای بررسی مؤثر بودن هر یک از مؤلفه‌ها بر ترویج فرهنگ کتابخوانی از آزمون تی تک نمونه‌ای (مقایسه با میانگین نظری) و برای رتبه‌بندی هر یک از مؤلفه‌ها (میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها در ترویج فرهنگ کتابخوانی) از آزمون فریدمن استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

با توجه به داده‌های گردآوری شده، نخست به کمک آمار توصیفی، ویژگیهای متغیرهای تحقیق (میانگین، میانه، مد، انحراف استاندارد، کمترین مقدار و بیشترین مقدار) تحلیل شده است. خلاصه مشخصات نمونه آماری مورد نظر که بر اساس نتایج پرسشنامه استخراج شده، در جدول ۲ آورده

شده است. با توجه به جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود میانگین متغیر فضای آموزشی برابر ۱۸/۱۶۲، متغیر خانواده برابر ۱۸/۵۰۱، متغیر معلم برابر ۱۸/۳۶۸، متغیر ارزشهای اجتماعی برابر ۱۹/۳۱۶ است. با توجه به کدگذاری انجام شده (کاملاً مخالف ۱، مخالف ۲، تاحدودی ۳، موافق ۴، کاملاً موافق ۵) می‌توان گفت حد متوسط پاسخگویی نمره ۱۵ است.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	تعداد سؤالات
فضای آموزشی	۱۸/۱۶۲	۱۸	۲۰	۲/۶۷۹	۱۱	۲۴	۵
خانواده	۱۸/۵۰۱	۱۹	۲۰	۲/۸۲۰	۱۲	۲۴	۵
معلم	۱۸/۳۶۸	۱۹	۲۰	۲/۹۶۷	۹	۲۴	۵
ارزشهای اجتماعی	۱۹/۳۱۶	۲۰	۲۱	۳/۰۰۹	۱۱	۲۵	۵

در بخش آمار استنباطی تحقیق، پس از گردآوری پرسشنامه‌ها و استخراج داده‌های اولیه حاصل از پرسشنامه‌ها به حالت قابل استفاده، نرم افزار آمار توصیفی SPSS به کار رفته است. در این تحقیق از آزمونهای آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS)، آزمون t تک نمونه ای و تحلیل واریانس فریدمن استفاده شده است.

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف (بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها)

نتیجه این آزمون در جدول ۳ نشان داده شده است. با توجه به جدول از آنجا که سطح معناداری آزمون نرمال بودن (sig) متغیرهای فضای آموزشی، خانواده، معلم و ارزشهای اجتماعی بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر (نرمال بودن توزیع متغیرها) رد نشده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت توزیع متغیرها نرمال است. بنابراین برای بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌توان از آزمونهای پارامتریک (t تک نمونه‌ای) استفاده کرد.

جدول شماره ۳. جدول بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیر	تفاوتهای افراطی			آماره Kolmogorov-Smirnov Z	سطح معناداری Asymp. Sig
	قدر مطلق	مثبت	منفی		
فضای آموزشی	۰/۱۱۷	۰/۱۰۴	۰/۱۱۷	۱/۱۵۱	۰/۱۴۱
خانواده	۰/۱۵۳	۰/۰۹۳	-۰/۱۵۳	۱/۲۶۴	۰/۰۸۳
معلم	۰/۱۳۷	۰/۰۷۹	-۰/۱۳۷	۱/۳۵۳	۰/۰۵۱
ارزشهای اجتماعی	۰/۱۱۲	۰/۰۹	-۰/۱۱۲	۱/۱۱۸	۰/۱۶۴

نتایج آزمون t تک نمونه ای (بررسی فرضیه‌های تحقیق)

نتیجه t تک نمونه ای در جدول ۴ نشان داده شده است. با توجه به جدول از آنجا که سطح معناداری آزمون نرمال بودن (sig) متغیرهای فضای آموزشی، خانواده، معلم و ارزشهای اجتماعی

بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر (نرمال بودن توزیع متغیرها) رد نشده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت توزیع متغیرها نرمال است. بنابراین برای بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌توان از آزمونهای پارامتریک (t تک نمونه‌ای) استفاده کرد. آزمون t یک جامعه^۱ به بررسی وضعیت یک متغیر می‌پردازد. در صورتی که سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد و عملکرد مورد نظر تایید می‌شود.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

۱. بررسی فرضیه اول

فضای آموزشی عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

بر اساس آزمون t تک نمونه ای، (مقدار آماره t و درجه آزادی به ترتیب برابر ۲۲/۸۵۷ و ۳۷۴) میانگین ۱۸/۱۶ است که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی بیشتر است. در نتیجه چون مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کمتر از ۰/۰۵ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت از دیدگاه پاسخگویان فضای آموزشی بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران مؤثر است

جدول شماره ۴. جدول بررسی آزمون t تک نمونه ای (نمره آزمون = ۱۵)

متغیر	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار t جدول
فضای آموزشی	۱۸/۱۶	۲۲/۸۵۷	۳۷۴	۰/۰۰۱	۱/۶۴۶

۲. بررسی فرضیه دوم

خانواده عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

بر اساس آزمون t تک نمونه ای (مقدار آماره t و درجه آزادی به ترتیب برابر ۲۳/۷۸۱ و ۳۶۶) میانگین ۱۸/۵۰ است که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی بیشتر است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت از دیدگاه پاسخگویان خانواده بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران مؤثر است.

جدول شماره ۵. جدول بررسی آزمون t تک نمونه ای (نمره آزمون = ۱۵)

متغیر	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار t جدول
خانواده	۱۸/۵۰	۲۳/۷۸۱	۳۶۶	۰/۰۰۱	۱/۶۴۶

۳. بررسی فرضیه سوم

معلم عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

بر اساس آزمون t تک نمونه ای (مقدار آماره t و درجه آزادی به ترتیب برابر ۲۱/۹۷۹ و ۳۷۴) میانگین ۱۸/۳۶ است که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی بیشتر است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت از دیدگاه پاسخگویان معلم بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران مؤثر است.

جدول شماره ۶. جدول بررسی آزمون t تک نمونه ای (نمره آزمون = ۱۵)

متغیر	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار t جدول
معلم	۱۸/۳۶	۲۱/۹۷۹	۳۷۴	۰/۰۰۱	۱/۶۴۶

۴. بررسی فرضیه چهارم

ارزشهای اجتماعی عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است.

بر اساس آزمون t تک نمونه ای (مقدار آماره t و درجه آزادی به ترتیب برابر ۲۷/۹۲۲ و ۳۷۸) میانگین ۱۹/۳۱ است که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی بیشتر است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت از دیدگاه پاسخگویان ارزشهای اجتماعی بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران مؤثر اند.

جدول شماره ۷. جدول بررسی آزمون t تک نمونه ای (نمره آزمون = ۱۵)

متغیر	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار t جدول
ارزشهای اجتماعی	۱۹/۳۱	۲۷/۹۲۲	۳۷۸	۰/۰۰۱	۱/۶۴۶

۵. بررسی فرضیه پنجم

اثر شاخص " فضای آموزشی "، " خانواده "، " معلم " و " ارزشهای اجتماعی " بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران متفاوت است. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌های تحقیق ۴ شاخص " فضای آموزشی "، " خانواده "، " معلم " و " ارزشهای اجتماعی " از عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران هستند. در این بخش به بررسی اولویت شاخصها با کمک آزمون فریدمن می پردازیم.

فرض صفر (H_0): مؤلفه ها دارای اولویت یکسانی هستند.

فرض مقابل (H_1): مؤلفه ها دارای اولویت یکسانی نیستند.

با توجه به جدول ۸ مشاهده می شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ است، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می شود و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت مؤلفه ها دارای اولویت یکسانی نیستند.

جدول شماره ۸. آزمون فریدمن

آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۴۷/۸۵۱	۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۹ مشاهده می شود، مؤلفه " ارزشهای اجتماعی " به عنوان مهم ترین عامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران شناخته شده و شاخص " فضای آموزشی " دارای رتبه آخر است.

جدول شماره ۹. رتبه بندی متغیرها

متغیر	میانگین رتبه	رتبه
فضای آموزشی	۲/۲۳	۴
خانواده	۲/۴۱	۳
معلم	۲/۵۳	۲
ارزشهای اجتماعی	۲/۸۴	۱

بحث و نتیجه گیری

امروزه کتابخوانی به منزله یکی از منابع مهم دستیابی به اطلاعات و توسعه فرهنگی جامعه، صرفاً عملی فردی نیست که به سبب علاقه و سلیقه شخصی بتواند استمرار یابد، بلکه ضرورت های اجتماعی، موقعیت تاریخی و فرهنگی جامعه، نیازهای نظام اجتماعی، علائق و انگیزه های فردی،

امکانات و تواناییهای نظام و در اختیار بودن کتاب، عواملی تعیین کننده در کتابخوانی به شمار می‌روند. مطالعه و کتابخوانی، ابزار اصلی افزایش سطح آگاهی و دانش همگان است. لذا مطالعه کتابهای مفید و مناسب به افراد امکان می‌دهد تا با تأمل در مطالب و محتوا، حقیقت زندگی خود را در آنها بیابند، ظرفیتهای و مهارتهای شناختی وجودشان را ارتقا بخشند و در همان حال، از لذتی واقعی و کمیاب بهره گیرند. در حقیقت، مطالعه و کتابخوانی نگرش و سبک زندگی فرد را تغییر می‌دهد و منطقی‌تر می‌سازد. نقش برجسته، والا، حساس و سازنده کتاب در پویشهای تکامل‌آفرین فردی و اجتماعی، ناشی از گستردگی روح، ارزش، بینش و ابهت و اهمیت فرهنگ مکتوب بوده است. از این‌رو، تنها راه پیشرفت هر فرد و جامعه، ارزش قائل شدن برای کتاب و کتابخوانی است. کتابخوانی، انسان را در تعیین سرنوشت خود و جامعه خویش شریک می‌کند. حتی هم‌نوع دوستی و خیرخواهی را بر می‌انگیزد، قوه ابتکار و خلاقیت، روحیه آزادی‌خواهی و بزرگ‌منشی را تقویت می‌کند. فرد از طریق توسعه فرهنگی خود به مدد کتابخوانی، بهتر می‌تواند به حل مسائل و مشکلات خود بپردازد و در نتیجه به آرامش و نظم فکری دست یابد. افزون بر این، افزایش سطح فرهنگ و سرمایه فرهنگی افراد جامعه، منجر به بهبود سطح فرهنگی جامعه می‌شود و پایداری و توسعه فرهنگی جامعه را در پی دارد. بر این اساس، نیاز به کتاب، به مثابه خوراک فکری در نظامهای آموزشی، باید واقعاً درک شود. کتابخوانی باید وارد برنامه زندگی دانش‌آموزان شود و آنها احساس کنند که باید برنامه‌ای برای این امر، در جریان زندگی روزمره خود داشته باشند.

در این مقاله با توجه به جایگاه فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان، به بررسی نقش چهار عامل فضای آموزشی، خانواده، معلم و ارزشهای اجتماعی در ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در میان دانش‌آموزان پرداخته شد. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد از دیدگاه پاسخگویان فضای آموزشی (میانگین ۱۸/۱۶) عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است. این یافته با نتایج پژوهش باب الحوائجی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. به اعتقاد وی شرایط نامناسب نظام آموزشی (کتابخانه‌های آموزشی، معلم و کتابهای درسی) می‌تواند کودکان و نوجوانان را از مطالعه و کتابخوانی دور کند. این یافته همچنین با نتایج پژوهش کامپ (۲۰۰۷)، حکیمی و طبسی (۱۳۸۹) و قیطاسی‌زاده (۱۳۹۱) هماهنگ است. بر اساس نتایج، وجود کتابخانه در مدرسه منجر به ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان می‌شود. مدرسه با برگزاری مسابقات کتابخوانی، منجر به ترغیب دانش‌آموزان به کتاب و کتابخوانی می‌شود. مدرسه به منزله زیرنظام آموزش و پرورش، از جایگاهی خاص در جامعه برخوردار است.

پاسخگویی به نیازها و انتظارات جامعه، مستلزم تحقق بخشیدن به هدفهای آموزشی است که مبین آرمانهای آن جامعه هستند. تحقق بخشیدن به هدفهای آموزشی نیز مستلزم اثربخشی سازمانی و آن نیز در گرو وجود مدارس اثربخش است (نیکنامی، ۱۳۷۵). مدرسه با قرار دادن ایستگاههای مجلات و کتابچه‌ها در محیط مدرسه، می‌تواند دانش آموزان را به فرهنگ مطالعه و کتابخوانی تشویق نماید. پخش بروشورهای تبلیغاتی به مناسبت‌های گوناگون درباره فرهنگ کتابخوانی، اهدای جوایزی مانند کتاب و دانشنامه‌ها در مسابقات ورزشی و ... منجر به گسترش فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان می‌شود و از راهکارهای مؤثر در ترویج فرهنگ کتابخوانی در سطح دانش آموزان است.

آموزش عادت به مطالعه، در جریان جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان، تأثیری قطعی بر تحولات جامعه می‌گذارد و اصلاحات و نوسازی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را به ارمغان می‌آورد. نداشتن استراتژی درست مطالعه در میان دانش‌آموزان، در مطالعه کتابهای درسی اثری منفی می‌گذارد و سبب افزایش افت تحصیلی می‌شود. آشنا کردن دانش‌آموزان با مطالعه و آموزش کتابخوانی، نیاز واقعی عصر اطلاعات است. به طور کلی، با توجه به رسالت‌های اجتماعی و تربیتی دستگاه آموزش و پرورش به طور عام و مدرسه به طور خاص، می‌توان با بسترسازی بنیادین و برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت، علاقه به مطالعه و کتابخوانی را در میان نوجوانان و جوانان تقویت کرد. با توجه به این مهم، تأمل در برنامه آموزشی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که فرهنگ‌سازی برای مطالعه و کتابخوانی از آموزش و پرورش آغاز می‌شود؛ بنابراین، ضروری است که با بهره‌گیری از مشاوران و روان‌شناسان برجسته، فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در شخصیت دانش‌آموزان مداوم و بنیادین شود. بی‌گمان اگر زمینه ارتقای فرهنگ کتابخوانی در دستگاه آموزش و پرورش به طور عام و مدرسه به طور خاص تقویت شود، ثمره آن، جامعه‌ای کتابخوان و توسعه‌یافته در آینده‌ای نه چندان دور خواهد بود.

از دیدگاه پاسخگویان در این پژوهش خانواده عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است. (میانگین ۱۸/۵۰). این یافته با نتایج پژوهش کامپ (۲۰۰۷)، قیطاسی‌زاده (۱۳۹۱) و باب الحوائجی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. باب الحوائجی در پژوهش خود نشان داده است که شرایط نامناسب خانواده، نظام آموزشی (کتابخانه‌های آموزشی-معلم و کتابهای درسی)، بازار نشر و کتابخانه‌های عمومی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند کودکان و نوجوانان را از مطالعه و کتابخوانی دور کنند. نهاد خانواده سنگ‌بنای هر جامعه

انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی، رشد و تعالی یکایک اعضای جامعه نقش بنیادین دارد. عادت به مطالعه و ارتقای فرهنگ کتابخوانی مانند دیگر الگوهای رفتاری، در روند اجتماعی شدن کودک در محیط خانواده در او پدید می‌آید. در حقیقت، خانواده نخستین عاملی است که در ایجاد علاقه به مطالعه مؤثر است. متأسفانه گاهی پدران و مادران به عکس عمل می‌کنند و با سخت‌گیری، فرزندان خود را از خواندن کتابهای غیردرسی باز می‌دارند و آن را مزاحم درس خواندنشان می‌دانند. در حالی که مطالعه کتابهای دیگر موجب می‌شود ذهن آمادگی خود را حفظ کند و با اطلاعاتی که از طریق خواندن ذخیره می‌کند، در یادگیری و فهم بهتر درسها به دانش‌آموز کمک رساند. اگر پدر و مادر عادت به مطالعه داشته باشند و فرزندانشان آنان را همیشه علاقه‌مند به مطالعه ببینند، خیلی زود با کتاب انس می‌گیرند و همواره می‌کوشند به تقلید از والدین کتاب به دست بگیرند. سپس با دیدن کتابهای تصویری، اشیای پیرامون خود را در آنها می‌یابند و ناخودآگاه به سوی کتاب جلب می‌شوند. به تدریج این امر در آنها به صورت عادت در می‌آید. بنابراین، محیط و شرایط خانواده، روش تربیتی و آموزشی والدین، طرز تفکر و نگرش والدین درباره مطالعه و کتابخوانی، در دسترس بودن نشریات و کتابها، همچنین سطح اقتصادی و پایگاه اجتماعی خانواده، نقشی بسزا در تقویت عادات مطالعه و کتابخوانی دارند.

از دیدگاه پاسخگویان، معلم (میانگین ۱۸/۳۶) عاملی مهم ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران به شمار می‌آید. این یافته با نتایج پژوهش باب الحوائجی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. جایگاه و نقش انکارناپذیری معلم در محیط آموزشی برای ارتقای فرهنگ کتابخوانی حائز اهمیت است. معلمان عاملی کلیدی در تعیین کیفیت مطالعه و یادگیری هستند، لذا نقش و مسئولیت اساسی در ترویج فرهنگ کتابخوانی دارند (سینگال^۱، ۲۰۰۸). توفیق یا شکست برنامه‌ها و فعالیتهای آموزشی و پرورشی هر نظام و هر کشور به معلمان آن بستگی دارد. آنچه معلمان می‌دانند و عمل می‌کنند عاملی مهم در کیفیت مطالعه و کتابخوانی است و تضمین می‌کند که آنها به خوبی آموزش دیده‌اند و این خود مهم‌ترین نقش را در پیشرفت مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان خواهد داشت. معلمان الگوهایی هستند که نگرشهای کلی، رفتارها و حضورشان می‌تواند تأثیری بسزا بر رشد اجتماعی و عاطفی دانش‌آموز داشته باشد (یونسکو و یونسف، ۲۰۱۲). معلمان باید روش صحیح مطالعه را مانند درس دیگر به دانش‌آموز بیاموزند، ارزش و اهمیت مطالعه و کاربرد آن را در زندگی برای فراگیران توضیح دهند، امکانات و تسهیلات

استفاده از کتابخانه را فراهم کنند و محیط کتابخانه را به شیوه ای مناسب طراحی نمایند. معلمان باید دانش آموزان را تشویق کنند که برای یافتن پاسخ سوالات خود به کتابخانه مراجعه کنند، همچنین کودک را اجباراً وادار به مطالعه نکنند، جلساتی از درس یا دقایقی از ساعات کلاس را به مطالعه اختصاص دهند تا هم تنوعی در کلاس‌داری باشد و هم دانش آموزان با راهنمایی معلم با نحوه مطالعه آشنا شوند و هم یادگیری عمیق تر باشد. این موارد می‌تواند به ترویج فرهنگ کتابداری کمک نماید.

همچنین از دیدگاه پاسخگویان ارزشهای اجتماعی با میانگین (۱۹/۳۱) عاملی مهم در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران است. در تبیین این مورد می‌توان گفت شرایط اقتصادی حاکم بر اجتماع، می‌تواند به صورت مستقیم بر ترویج فرهنگ کتابخوانی تاثیر بگذارد. سیاستهای رایج در اجتماع، می‌تواند به گونه ای باشد که ترویج فرهنگ کتابخوانی را موجب گردد. مطلوبیت کتابخوانی در اجتماع، می‌تواند در دانش آموزان نیز گرایش به مطالعه ایجاد کند و گرایش دانش آموزان به مطالعه سبب گرایش همسالان و دوستان آنها به مطالعه و در نتیجه ترویج فرهنگ کتابخوانی می‌شود. ارزشهای اجتماعی واقعیتهایی هستند که مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه اند و تقریباً مورد پذیرش همگان هستند. ارزشهای اجتماعی در جامعه مطلوبیت دارند و بیشتر با ذهن و کمتر با دنیای مادی ارتباط دارند. ارزش اجتماعی انگیزه گرایشهای اجتماعی می‌شوند. گرایشهای اجتماعی تمایلاتی کلی هستند که در افراد به وجود می‌آیند و ادراکات، عواطف و رفتارهای آنها را در جهتی معین پیش می‌برند. این گرایشها هر چند در همه افراد وجود دارند، اما بر حسب چگونگی شخصیت افراد بعضی از آنها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ارزشهای اجتماعی مورد توجه و علاقه انسان هستند. بنابر این فرهنگ و باورهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند به منزله عاملی مهم در فرهنگ کتابخوانی مؤثر باشد. این امر به عواملی مانند دیدگاه نسلهای گذشته، فرهنگ و میزان بودجه افراد بستگی دارد و می‌توان با فراهم کردن شرایط مناسب و فرهنگ سازی در جامعه به ترویج فرهنگ کتاب خوانی کمک کرد.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن، میانگین رتبه مؤلفه‌های فضای آموزشی، خانواده، معلم و ارزشهای اجتماعی در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان به ترتیب ۲/۲۳، ۲/۴۱، ۲/۵۳ و ۲/۸۴ است که مؤلفه "ارزشهای اجتماعی" به عنوان مهم‌ترین عامل و مؤلفه-های "معلم"، "خانواده" و "فضای آموزشی" نیز به ترتیب دارای اولویتهای بعدی در ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه در منطقه ۵ شهر تهران بوده اند. این امر می‌تواند

به وزن دهی و اولویت بندی جهت توجه به موارد مذکور کمک نماید؛ زیرا توجه همزمان و همسنگ به همه موارد و اجرای آن با برنامه ریزی واقع بینانه سازگار نیست و بیشتر آرمانی به نظر می‌رسد. در نتیجه باید ابتدا توجه بیشتری به ارزشهای اجتماعی در جامعه داشت و فرهنگ آن را در جامعه نهادینه کرد تا بتوان از خانواده و نظام آموزش و پرورش به منزله نهادهای مؤثر در این زمینه بهره‌مند شد. این امر می‌تواند پیش زمینه‌ای برای برنامه ریزی و توجه به عوامل و مؤلفه‌های مذکور باشد. با توجه به یافته‌ها، می‌توان پیشنهادات زیر را به عنوان مقدمه‌ای برای ارتقای فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان دانست:

- با توجه به اینکه ارزشهای اجتماعی در حکم مهم‌ترین عامل در فرهنگ سازی کتابخوانی است، بنابراین به برنامه سازان رسانه ملی توصیه می‌شود که از ظرفیتهای اطلاع رسانی این رسانه بهره بگیرند و با ساخت برنامه‌های ویژه ضمن معرفی کتابهای مناسب برای دانش‌آموزان آنان را به کتابخوانی تشویق کنند و در ارتقای فرهنگ مطالعه کوشا باشند.
- والدین با فواید مطالعه غیر درسی دانش‌آموزان آشنا شوند و فضای مناسب مطالعه در مدرسه، خانه و... ایجاد شود.
- خانواده‌ها با قلمداد کردن کتاب به منزله ضرورت در خانواده کودکان را با فرهنگ مطالعه آشنا و ضرورت به مطالعه را در آنان نهادینه کنند.
- متولیان امور شهری برای تشویق خانواده‌ها به مطالعه طرحهای کتاب خوانی خانوادگی و طرحهایی مانند آن را طراحی و اجرا نمایند.
- فراهم ساختن امکانات و تسهیلات استفاده از کتابخانه و توجه به طراحی مناسب محیط کتابخانه باید مورد توجه قرار گیرد. معلمان دانش‌آموزان را تشویق نمایند که برای یافتن پاسخ سؤالات خود، به مراجعه به کتابخانه کنند، کودک را اجباراً وادار به مطالعه نکنند، جلساتی از درس یا دقایقی از ساعات کلاسی را به مطالعه اختصاص دهند تا هم تنوعی در کلاس‌داری باشد و هم دانش‌آموزان با راهنمایی معلم با نحوه مطالعه آشنا شوند و هم یادگیری عمیق‌تر باشد.

منابع

- آزرن، مری‌پوپ و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت کودکان و نوجوانان در آمریکا، (به کوشش حمید قبادی). تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- ابراهیمی ترکمان، ابوذر. (خرداد ۱۳۸۷). فرهنگ کتابخوانی در میان روس‌ها. *اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی*، (۲)، ۸-۹.
- اسماعیل‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). راهبردهای تحقق فرهنگ کتابخوانی در سطح جامعه. کتاب مهر، (۲۱)، ۱۱۰-۱۲۴.
- باب الحوائجی، فهیمه. (۱۳۹۰). علل عدم گرایش به مطالعه در میان کودکان و نوجوانان و ارائه راهمایی جهت ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی. در *مجموعه مقالات همایش راههای ترویج فرهنگ مطالعه*، ۲۳-۲۵.
- بزرگی، سید مهدی. (۱۳۸۷). *راههای ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی بین دانش آموزان، دانشجویان و قشرهای مختلف مردم*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه یزد.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. (۱۳۹۱). ۳۶ درصد شهروندان تهرانی اصلاً مطالعه نمی‌کنند. گزارش نظرسنجی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران:
- <http://www.ibna.ir/vdcfj1dyw6dmxa.igiw.html>.
- تقی‌پناهی، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه در دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۳ (۴۳).
- حکیمی، رضا؛ طبسی، محمد علی. (۱۳۸۹). بررسی راهکارهایی به منظور فعال شدن کتابخانه‌های مدارس شهر زاهدان و توسعه فرهنگ مطالعه. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۳ (۱)، ۱۱۱-۱۳۲.
- خسروی، فریبرز. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مطالعه در کشورهای جنوب. *مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، پاییز، (۵۱)، ۱۲۵-۱۱۶.
- رحمانی، بتول. (۱۳۸۲). بررسی تعداد مقالات و گزارش‌های منتشر شده درباره کتاب و کتابخوانی. *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، (۱) ۱۴، ۱۳-۲۲.
- رداد، ایرج و مسعودی، میترا. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت عادات مطالعه آزاد دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۹ (۳)، (پیاپی ۷۴)، ۳۸۷-۴۰۷.
- زارعی، عیسی. (۱۳۹۲). *رسانه ملی و فرهنگ کتابخوانی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی فرهنگ مطالعه در بین جوانان ایرانی*. پژوهش منتشر نشده، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). درآمدی جامعه‌شناختی به پدیده و گفتمان کتاب در ایران معاصر. کتاب مهر، (۲)، ۴-۴۹.
- قیطاسی‌زاده، ناهید. (۱۳۹۱). بررسی موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ کتابخوانی در بین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی منطقه ۳ شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۳). *بررسی اجمالی نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (RIRLS 2001)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کلارک، کریستینا؛ اوزبورن، سارا؛ آکرمن، رودی. (۱۳۸۸). *نگرش جوانان انگلیسی نسبت به مطالعه: تحقیقی در زمینه تأثیر خانواده، همسالان و مدرسه بر مطالعه افراد*، (به کوشش حمید قبادی؛ محمد الهیاری فومنی و اشرف راضی). تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.

- میرحسینی، زهره؛ بهرامی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی میزان تأثیر کتابخانه تلفنی رنگین کمان شهرداری سمنان بر افزایش فرهنگ مطالعه کودکان و نوجوانان. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۸(۱)، ۱۰۱-۱۱۵.
- نیکنامی، مصطفی. (۱۳۷۵). مفاهیم کارآیی و اثربخشی مدیران مدارس. *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*، ۴(۱۵)، ۱-۱۴.

- Camp, D. (2007). Who's reading and why: Reading habits of 1st grade through graduate students. *Reading Horizons Journal*, 47(3), 251-268.
- Doiron, R. & Asselin, M. (August 2010). *Building a Culture for Reading in a Multicultural, Multilingual World*. Paper presented at the Annual Conference of the International Federation for Library Associations, Gotenburg, Sweden, August 7 – 11. <http://www.ifla.org/files/hq/papers/ifla76/133-diron-en.pdf>
- Joubert, I., Ebersohn, L., Ferreira, R., Plessis, L. D., & Moen, M. (2014). Establishing a reading culture in a rural secondary school: A literacy intervention with teachers. *Journal of Asian and African Studies*, 49(4), 399– 412. DOI: 10.1177/0021909613487676.
- Kachala, F. (2007). *Developing a reading culture among the rural masses of Mwambo, Zomba District, Malawi: A concept for the 21st century and beyond*. Paper presented at World Library and Information Congress: 73RD IFLA General Conference and Council, (pp.1–14). 19-23 August 2007, Durban, South Africa.
- Shaw, M., & Davidson, M. (2009). *Using the Phono-Graphix Reading Programme as a literacy support intervention strategy*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Singal, N. (2008). Working towards inclusion: Reflections from the Classroom. *Teaching and Teacher Education*, 24, 1516-1529.
- Stranger-Johannessen, E. (2014). Promoting a reading culture through a rural community library in Uganda. *International Federation of Library Associations and Institutions Journal*, 40(2), 92–101.
- Tercanloglo, L. (2001). The nature of Turkish students' motivation for reading and its relation to their reading frequency. *Reading Matrix: An International Online Journal*, 1(2). [online] available at: www.readingmatrix.com/articles/tercanloglo/articles.pdf.
- UNESCO & UNICEF. (2012). *End of decade notes on education for all: EFA goal 6- Quality education*. UNESCO Bangkok, UNICEF EAPRO and UNICEF ROSA. www.unesco.org/bangkok, www.unicef.org/eapro, www.unicef.org/rosa and www.unicef.org/southasia
- Wigfield, A., & Guthrie, J. T. (1995). *Dimensions of children's motivations for reading: An initial study* (Research Rep. No. 34). Athens, GA: National Reading Research Center.